



«ایرج»

## بیو سنه طفل

صبعدم کا بین طانیر پرخ آشیان آ فتا بی گر دد از بالای کوه  
تافته دخ، بال کو بان برذنان اذ پرو بالش چمن گیرد شکوه  
نفعه خوان مرغ سحر یرشا خسار  
بینی آن پروانه خوش خال و خط جسته بیر ون از غلاف بیر هن  
با پر و بالی پر از زدن نقط سر زند یک، یک بگلها ی چمن  
بوسد این را غبف و آن را عذر

● ● ●

همچنان آن طفلک شیرین زبان بارخ سرخ و سپید از شیر و خون  
آن دوچشم برق ذن چون اختران سر کند شانان زشاد بیجه بیرون  
بندگرد اطراف خود را شاد خوار  
با تبسم های شبر بـنـتـرـ زـقـنـدـ هـچـوـ پـرـ وـانـهـ گـشـایـدـ بالـ وـ پـرـ  
بر جهد از جا، چو از میجم سپند دستـمـاـ درـ بـوـ سـدـ وـ روـیـ پـدـوـ  
این در آغوشش کشد آن در گناه



پستان بدهن گرفتن آموخت  
 بیدار نشست و خفتن آموخت  
 تاشیوه راه رفتن آموخت  
 الفاظ نهادو گفتن آموخت  
 برغچه گل شکفتن آموخت  
 گویند مرا چو زاد ما در  
 شبها بر گاه واره من  
 دستم بگرفت و پا بیا بر د  
 یک حرف و دو حرف بزر بانم  
 لبخند نهاد بسر لب من  
 پس هیستی من ز هیستی اوست  
 تا هستم و هست دا ز بش دوست

از طرف، مدیریت نشرات داخلی ریاست هسته مطبوعات

مهمتمن : محمد یوسفی «روشنی فکر»

اول سرطان ۱۳۴۸

دولتی مطبوعه





فرزندان خود را گرامی دارید و نیکو - تریبون شان کنید .  
حضرت محمد (ص)

لهم شهادا ۰۰۰،۰۰۰

این طفل زیبا است برای آنکه می خندد ، برای آنکه  
با روح سر شار سلامت جسمی را نیز در اختیار دارد .  
زیبایی و سلامت این کودک زیبا پدیده هنر تربیت پدرو ما در مهربان  
و ورزیده ایست که با و جز چهره باز ، آغوش  
گرم و سیمای بشاش نشان نداده اند .



طفل درین هر حله زندگی از گرم  
وسرد ، تلخ و شیرین روز گار بی خبر  
است ، جز لبخند مادر و جین کشاده  
پدر دیگر قادر - بادران چیزی نیست  
او با همه کودکی و بی خبری روح  
توان احساسی را دارا است از اندک  
خشونت شما میلرزد ، خوف میکند  
میگرید و در نتیجه سلامت جسم و نشاط  
روح خود را می بازد . \*

---

نگاه کنید ! در چهره این  
کودک زیبا هنر پدر و ما در ش  
نقش است اوامر و زدر بر ابر چشم  
شما و فردادر برابر اجتماع  
می خندد .

✿ شما که پدر و مادر مهر باشی هستید بکوشید طفل تان ازین خطر  
مصور بماند .

در برابر طفل تان خسته و ناتوان آشفته و آزرده جلوه نکنید .  
زیرا روح او شکنجه میشود و عذاب میکشد بر عکس لطف  
وصفاتی شما با او شاط و سروره بخشد ، باشمامی خنده ، مستانه دست  
و پامیزند تاهم شمارا راضی ساخته باشد و هم آینده خود را مسعود .

~~~~~

✿ خدا رحمت کند زنانی را که بانمام مشقات  
ذندگی در تربیت فرزندان خود کوتاهی نمیکنند  
رسول اکرم «ص»  
✿ آینده کودکان بسته بتریت مادران است  
«بنا بر ارت»

برای شب پیری در روز جوانی باشد  
چراغی تهیه دید «واین چراغ اولاد باتریه و منور  
است» افلاطون

محبت خود را به طفل تان بدهید مگر افکار خود را بروی تجمیل  
نکنید زیرا او افکار علیحده ای غیر از شما خواهد داشت

جیران خلیل

## گریه طفل ....

گریه طفل عوامل زیادی دارد که بعضی از آن معلوم و برخی  
جهول هیباشد .

علت معلو مش آنست که در بر ابر اعمال و پیش آمد شما میگرید  
مثلاً، مو قعی که مخالف آرزوی او حرکت میکنید ، یا لو بجرم  
فعل نا مطابق بی تنبیه میشود یا خطای - او بخشونت شما مواجه میگردد .  
عامل مجهول گریه طفل ،

احساس نا راحتی های  
باطنی ، ناشی از مرض ،  
گرسنگی ، سرما و گرما ،  
مساعد نبودن بستره و لباس  
و امثال آنست که بررسی  
در رفع این گونه عوامل ،  
مشکل بزرگی را برای

(۳)



پدر و مادر بار میآورد . ولی جلوگیری از عامل نخست سهل است  
زیرا، پدران و مادران فهیم و ورزیده میدانند طفل از چه چیزی ازیت  
میشود و آنگاه با جتناب از آن، میکوشند نشاط و مسرت کودک  
شان را لطمه نزند .

در حالت نخستین که گریه طفل علت خارجی دارد یعنی عامل  
گریه خارج از وجود خودش، بر او اثر میکند گریه برای طفل  
مفید است ، زیرا بار یختن چند قطره اشک از عواقب نا مطلوب  
و خطرناک عملی که بر طفل اثر کرده، میکاهد و تا اندازه دردی را  
که احساس کرده تخفیف میبخشد . پس بر شماست موقعیکه اطفال  
تافرا رو حا و یا جسمآ تنبیه میکنید وا شک او را میرینید بگذارید  
تا موقعیکه میل دارد بگرید و خودش خاموش شود . زیرا در اینگونه  
موارد طوریکه تجربه نشان داده همانع از گریه طفل ، اثر جبران  
نا پذیری در روح وی باقی گذاشته است .

اما در صورت دوم بکوشید علت گریه را با ترتیب و تعا ملی که  
زودتر نتیجه بدهد در وجود طفل سراغ کرده و در از الله آن سعی  
کنید . اینست یکی از رهوز تربیت امروز .

فرزند هانند عهد نامه صلح است در عین اینکه طرفین از آن  
... ناراضیند مجبور نزد به آن احترام کنند

## در داهن و پر گهون

اگر میخواهید اطفال تان از آغاز با آداب معاشرت آشنا شود،  
ازورود در حلقه و محفلی شرم نکند و از جمیعت همکاران گریزان نباشد.  
اگر آرزو دارید اطفال تان صاحب روحیه قوی جسور و تنومند باریابی داشته باشد.

اگر میل دارید

طفل تان در کانونی  
که خودش راضیست

روز گار را  
بخوشی بگذراند.

اگر میخواهید  
سعادت آینده آنان را  
تأمین کرده باشید  
و در نبرد با پیش  
آمد های زندگی  
و معامله بادیگران از  
حال ایشان را در زیده  
بار آورده باشید.



اگر آرزو دارید صحت و سلامت اطفال خویش را وقايه کرده  
و آنرا از بازی هایی که تندرستی و سلامت شانرا تهدید میکند  
محفوظ داشته باشید... بهترین اقدام شمادرین راه تسلیم آنان به پر کتون  
است ...

یک قدم مفیدرین راه بگذارید و اطفال تان را از خطر هانجات بخشید !!

### محبت مادر

مادری دو فرزند داشت که خورد ترین آن ها  
پنج ساله بود روزی که این مادر فرزند کوچک  
خود را نوازش مینمود .

طفلات کوچک بما در خود گفت .

مادرک محبوب من ...

نمیدانید که من شمارا چقدر دوست دارم ...  
شاید شما مرا آنقدر دوست نداشته باشید ...

مادر پرسید .

- چرا ، بچشم :

- طفلک خورد جواب داد . شما دو بچه دارید .  
ازین سبب محبت قلبی شما دو تقسیم گردیده است  
ولی من تنها یک مادر شیرین دارم و بس ! .

از موقعی که اولین تبسم بر لبهای طفول ظاهر میگردد زمان  
..... تریتیوی آغازمی شود .

## طفل و بازی چه

برای حفظ نشاط اطفال و رشد و نموی فکری آنان بهترین  
وسیله فراهم نمودن و سایل سرگرمی و ساعت تیری آنانست .

اطفال از همه بیشتر با شیای  
دور پیش خود علاقه دارند، میگوشند  
هر طوری باشد آنرا بدست بیاورند  
و خود را مشغول سازند خواه این  
اشیا شکستنی وریختنی باشد و  
یا کلفت و درشت .

پس از همه او لتر باید در صدد  
تفریح و مشغولیت آنان شد و برای  
این منظور بازی چه های مناسب  
و پسندیده که ضروری از افتادن  
و برداشتن آنها برای طفل متصور  
نباشد انتخاب کرد .



بازیچه اطفال را بخود جلب کرده نمی‌گذارد هر طرف دست و پا  
بیندازند و بحر کات خطرناک اقدام کنند.

بکوشید این بازیچه‌ها جالب و مقبول بوده و مطابق فوق اطفال  
باشد و بتواند با آسانی آنرا مشغول سازد.

اشیای برنده و درشت از قبیل قیچی، کارد چنگال و غیره را  
نباید در اختیار دسترس اطفال گذاشت زیرا اگر این خطا از شما  
سرزد، خسارة بزرگ را منتظر باشید.

حق فرزند بر پدر آنست که ویرا نوشتن  
و شناوی را اندازی بیاموزد و غذای خوب بخوراند  
و همینکه به حد بلوغ رسید ذنی برای او بگیرد.  
حضرت محمد (ص)

اطفال بیشتر به شمعی وی سر هشی هستند از افتقاد و عیوب جویی

## نشاط طفیل

هر پدر و مادری در سیمه‌ای فرزند خویش نشاط و شادمانی می‌جوید.

طفل خندان و شادمان مقبول همه کس واقع می‌شود.

یک لبخند طفل کا فیست چند ساعت هر روز زندگی و خستگی و کدوت شمه ارا بزداید.

برای آنکه فرزندان شما بچنین هنری آرایش باشد، بکوشید

برای زندگی شب‌اروزی او پروگرامی وضع کنید تا بوقت بخوابد و برخیزد، بموقع بخورد و بیا شامد.

روزانه برای ساعتی تفریح کنید در هوای آزاد به سپورت و ساعت

تیری پردازد.

بحرکات

و خواسته

های او

عمو مأ

قید نگذارید

آزادی اورا

احترام

کنید.

(۶)



زیرا روح بزرگ طفل باکو چکی جسم او نسبتی ندارد و چنین  
چیزی را از شما خواسته است.

هر قیکه از طفل شما کار نامطلوبی صادرشود بخشو نت مانع ش  
نشوید، بلکه بکوشید با حوصله و به ملایمت عملش را انتقاد کنید.  
مراعات این نکات بظاهر کوچک شادمانی و نشاط رادر طفل  
شماز نده میسازد.

آنایکه به هنر خنده ملتقتند می کوشند سلامت روحی کودک  
شانرا ازین راه نیز مهیا سازند.

\*\*\*\*\*

از بچه تئاتر ذندگیست صحنه مزین آن را مردم  
می پینند و پشت صحنه در هم بر هم را مادر (مثل ترکی)  
از اطفال آنچه مابین سن هجده ما هگی و سه  
سالگی راجع به دنیا و قوای خود شان و طبیعت  
اجسام می آه و زند از آنچه که در بقیه مدت عمر  
خوبش خواهند آمود خت به مراتب بیشتر است.  
لرد بروگام

طفلیکه با رو شنایی و قوت در اجتماع وارد میشود ، محصول عظیمی است که پدر و مادر بجمعیت میدهند و از رگترین و ظیفه خود را جرامی-کنند ..

### فرزندیکه از

تفهای غذای کافی نیتواند ضامن سلامت و شادمانی طفل شما گردد  
غذای کافی ناراحتیها و پریشانیهای طفل را از میان نمیرد ، فرحت و صفاتی طفل ارتباط بتریت دارد و تربیت طفل در عهده‌ی والدین است ، طفل از آغوش پدر و مادر در اجتماع وارد میشود ، بنابرین بایستی این فرزند اجتماع در اینبوه جمعیت ، در میان مردم محیط یک موجود روشن و تابان باشد .

کودک مثل یک صفحه‌ی سفید است ، هر چه بر این صفحه بنویسید همان میماند . این صفحه را سیاه ساختن گناه است ، این گناه اگر بواسیله‌ی والدین صورت گیرد اجتماع را میلر زاند . و تیره می‌گردد ، برای اینکه والدین «خستین محرک گهواره‌ی



تر بیت طفل میباشد، اگر درین  
جنبیش طفل بد باز آید در اجتماع  
نیز تیره میماند.

طفل نیاز مندیهاي معنوی  
دارد، اين نیاز مندیها با پستی حتی  
بر آورده گردد.

عصبانیت و تند خوبی پدر و مادر  
در روح طفل تأثیر ناگوار میاندازد  
طفل اگر با ملایمت از آنچه  
میخواهد انجام بد هد باز داشته  
شود، هرگز همان نمیشود... اگر  
طفل را طوری بار آورید که جز  
خوبی چیزی نخواهد در روز های  
بعد مجبور نمیگردد او را با

عصبانیت و تند خوبی از کار یا حرکتی باز داریم.

اطفال از طرز برخورده و ناهمجارت پدر و ها در شکایت  
میکنند، این شکایتها موجب میشود که آنرا اموجودات بیعلاقه  
بپر و مادر و نافرمان و متمرد بار آورد. فحش و بدگوین طفل



رامی و نجاشد، همچنین تو سل بسنگ و چوب برای تنبیه وی نیز او را رنج میدهد و در روحش اثر نامطلوب میگذارد. گفتگوهای بیمورد، اختلافهای جدی یا جزئی، کلمات خشن و زننده پدر و مادر بر طفل تأثیر هیکنندو این گفتگوهای نزاعها وی را از پدر و مادر دور میسازد... همچنین توجه پدر و ما در بیک طفل و محبت فراوان ایشان باو، در روحیه فرزند دیگر ایشان اثر نا مطلوب میاندازد و در او حس بدینی و حسادت را تولید میکند و موجب خطرات عظیم میگردد. پدر و مادر محبت خود را برای فرزندان خود مسلوی قسمت نمایند، تا از حسادت و بدینی اطفال جلوگیری کرده باشند.

در تربیت طفل بنکاتی توجه گردد که برای آنیه وی سود فراوان دارد... کودک اگر بدروغ گویی و کردارزشت تشویق شود در جوانی نمیتواند از گیراین تیرگی نجات یابد و راست با شد دروغها و نادرستیهای طفلی در جوانی اثر میاند از دوجوان را منحرف میکند با کودک بایستی صمیمانه رفتار کرد، با او مهر بان بود و در برابر وی از تند خویی و عصبا نیت پرهیز نمود... طفل کنجدکاو است

میخواهد در مورد همه چیز معلوماتی داشته باشد ، بسوا لات وی درست جواب باید کفت واورا از تاریکی بیرون آورد ، این وظیفه حتمی پدر ، مادر و هر فرد جوان وفعال است .

سعی کننده بر محسن طفل یافزا بید و این مسؤولیت عظیم را از دوش دور نمایید . طفلی که با رو شنایی و قوت در اجتماع وارد میشود محصول عظیمی است که پدر و مادر به جمیعت می سپارند و بزرگترین وظیفه‌ی خود را انجام میدهند .

~~~~~

کودک درسایه تعلیم و تربیت ، جوان لایق  
میگردد . ولی اگر علیل بوده تربیه ناقصی داشته باشد  
در مدرسه نینویاند پیش برود و در زندگی اجتماعی  
نیز ناکام میگردد .

﴿ لذات حیاتی و حقیقت زندگی را در خدمت  
بنوع و محبت با مردم و تربیه اولاد جستجو نماید  
- مرا بو -

﴿ طفل با تربیه کمیابی سعادت است « ۲ »

## هیهکاری بین اطفال

اطفال امروز مردان آیندهٔ مملکت اند، سعادت اجتماع در سعادت آنان نهفته است، کودکان امروزی هر قدر با هم صمیمی و همکار باشند، بهمان پیمانه در زندگی موفق بوده و پرتو این پیروزی و آبرومندی شان بر جامعه و مملکت می‌غلند. حس همکاری

و تعاون،  
و قتی  
می‌تواند  
در بین  
افراد  
یک جامعه  
نفوذ داشته  
باشد که  
از همان  
روزهای  
نخست، \*  
(بقیه در  
صفحه ۱۸)



## آواز گهواره

پسر کوچکم رادر گهواره تکان میدهم، یاره تنم را بخواب میبرم  
 دنیارا یا بازوان خود، میان دو سک آسیا فرم میکنم.  
 دنیا، دنیای بزرگ، با بازوان ناتوان زنی، نرم می شود و شکل  
 غبار سفیدی بخود میگیرد، غباری که از بام و از پنجره های خانه  
 زره زره، وارد اطاق من می شود. وما در وفرز ند رادر زیر خود  
 می پوشاند.

برای طفلكم للو، للو، می گویم تا اورا بخواب کنم اما همراه  
 او همه تپهها، همه جو بیارها، همه آنچه را که آفریده شده،  
 همه آنچه را که آفریده خواهد شد در گهواره تکان میدهم.  
 اورا تکان میدهم، ولی اندک اندک می بینم که طفلك من از نظرم  
 محومی شود. دیگر نه گهواره را می بینم و نه فرزندم را دیگر دنیارا  
 هم نمی بینم به پیشگاه آنکس که دنیا و فرزندم را بن داده فریاد  
 می زنم، صدا باستغایه بلند میکنم. آنوقت ناگهان از فریاد خود  
 بیدار می شوم، می فهمم که بالای سر فرزندم در خواب رفته بودم.  
 میترسال،

## ای طفل

مادرت هنوز هیچ چیز از تو نمیدانست، نمیدانست بتوچه خطاب  
خواهد کرد همچنان که نمیدانست که توبا و چگو نه خواهی  
نگریست.

روز ها غالباً نگرانی مرموزی احساس میکرده. مثل این بود از  
رنج که از جانب تو خواهد دید نگران بود. بارها بی اختیار انگشتان  
ناتوان خود را بر آنجا که دل تو در تپش بود می نهاد، تا وجود  
ترا احساس کند.

همچنان که یک بامداد بارانی زمینه را برای طلوع خورشید فروزان  
آمده میکند، او نیز ترا اندک، اندک از دنیای خاموشی و تاریکی  
برای سفر اینجهان آمده میکرد. تو آنوقت، ای کودک زیبا، هنوز  
درین دنیا نبودی، و با این وصف، همه جابودی ...

(کارو سما)



﴿وقتی که هموززشی ها و نایا کی های محیط بردوح مخصوص شان اثر نکرده  
و طفل می باشند به این راز آموخته شده باشند و برای همدردی  
و همکاری یکدیگر تر بیت گرفته باشند .

وقتی میان اطفال حس همکاری بیدار شد و با یکدیگر  
صمیمی و رفیق شدند ، آنوقت این رشته فامیل ها و خانواده هارا  
بهم نزدیک ساخته و بالاخره عامل اتحاد و پیوستگی جماعات می شود .  
این نزدیکی بین افراد و جو امع علیتی می شود که علت  
های منفی را از بین برده و جو امغ را برای مقابله با حادث نا  
مطلوب و مصایب تقویت می بخشد .

پس بر پدران و مادران است ، تا اطفال خود را طوری  
تر بیت کنند که همکار یکدیگر بوده و حس صمیمیت در دلها  
شان تا بان بماند .

روش پدر و مادر و دیگر افراد فامیل تأثیر مستقیمی بالای  
تر بیت اطفال دارد و بهر اندازه ایکه بین آنان همکاری  
و صمیمیت قوی باشد میان فرزندان شان این موهبت بزرگ بپنهان می شود .  
پس برای سعادت جامعه و پیروزی آینده فرزندان خویش  
با یکدیگر همکاری و صمیمیت را به آنان بیا موزیم .  
از همکاری باید با یشان داستانها گفت و آنرا در قول و فعل  
با یکدیگر بکار بندیم تا آنان از هایی امرازند .

هو سیقی ا لیبا م بخش د ردها است ..

## طفل و هو سیقی

موسیقی باعتراف کل هنر است و هنر غذای روح ..  
سلامت دوچیزه مندی جسم را فرمی کند و آن را نیرو و قدرت می بخشد .  
مو سیقی برای آرامش با طن و صحت روان خدمت می کند  
وداروی هؤثر یست ، بکوشید از بن اکسیر و از بن آب زلال  
برای روح تشنۀ طفل تان استفاده کنید ..

ساز زندگی طفل را با هنر مو سیقی سر کنید ، نشاط  
وشادمانی ، طفل را با آن بخرید ، سعادت و افتخار ، نیز و مندی  
و قدرت طفل را که از سر روان منبع میگیرد باموسیقی حفظ کنید .

این دو طفل  
زیبا ، خواهر  
وبرادر مهر بانی  
هستند زندگی را  
به کمک هم  
پیش همیزند ،  
شب و روز را  
کنار هم



میگند را نند ، با مشکلات به کمک هم هجادله میکنند و در برابر  
حوادث متفق-آقیام میو رزند .

زندگی هنری خویش را هم یکجا آغاز کرده و اینک به  
یاری هم ساز می زند و آواز می کشند .  
از پرتو نشاط این دو طفل زیبا خانواده شان نیز بهره مند  
است .

شما هم اگر میخواهید بچنین سعادتی دست یا بید فرزندان  
خود را با هنر آراسته تر بیت کشید ...



### برای مادر

طفل - مادر جان فردا که جشن تولدی توست  
میخواهم برایت یک گلستان چنی سبز پیدا کنم !  
مادر - عزیزم گلستان چنی که دارم !  
طفل - می دانم اما ... من آنرا شکستم

## نگاههای هر روز ...

یکدسته از اطفال که زندگی آینده را پیش روی دارند، امروز طفل اند، جهان در نگاه شان جز همان نقش ظاهر نمی نماید، به آینده می نگرند، در افق مغشوش و تیره آن خواسته های کودکانه خود را می پالند، آینده ایکه هنوز در چشم شان تاریک است، اما زرین تاریکی هزاران ارمان و آرزوی نهفته دارند، آرزوئیکه بشر را از آغاز تا انجام دامنگیر است.

نگاه کنید درین  
چشمان معصوم چه می خوانید  
و درین نگاههای پر تمنا چه  
نهفته است، از شما انتظار  
دارند، از شما می خواهند  
و در شما می جویند !! .  
آری این چشمان معصوم  
و امین وار از شما پر ورش  
انتظار دارند، اطف  
می خواهند و در شما مهر  
و عاطفه می جویند .



این گلهای زیبا که با هزاران خارو خس در دامن شما افتاده  
به توجه شما نیازمند می باشند . باید ملتافت بود که اند ک تو جه  
ودقت شما ، عامل خوشبختی آنلن میگردد و کوچکترین تغافل  
بد بختی شان را فرا هم میسازد .



### پیمان با فرزند

هر پیمان مقدس می باشد ، اما زیما نیز که  
با فرزندان خود میبیندید ، مقدس ترین پیمانهاست .  
این قلب کوچک وابن روح یاک ، سرشار از  
اعتبار و اطمینان ، عشق و دوستی ، محبت و احترام  
برای شما است . پس چرا این احساسات شیوه‌یین  
را با شکستن پیمان خوشیش از میان میبرید ؟  
با فرزندان خود بسر پیمان باشید تا آنان نیز  
در زندگی پیمان شکن باز نیایند .



حلقه

های ...

کوچک ...

نظام کائنات بر آن استوار است که هر موجود و معصومی از  
نفس بسوی کمال برود.

طفل کو چک ، نیز که یک وقت نامش روی صفحه هستی  
 ریخته نشده بود هما نطاو ریسکه هست شد هما نطور بسوی  
 کمال میرود ...

رشد میکند و به نمو میرسد مو ازی باین رشد و نمو جامعه  
 فعلی وی نیز اکشاف میکند همانطوریکه در زندگانی روز انه  
 طفل پدیده های نوی وارد می شود و نیز وی جسمانی وقدرت  
 معنوی او هر آنی تغییر میابد هما نطور محیط مر بو ط ب طفل در  
 پهلوی تحولات طفل بسوی ارتقا و تحول میرود ، از همین جاست  
 که رهبران کاروان بشری و پیشو ایان جو امع تأکید میکند  
 با ید اطفال خود را برای آینده و مطابق بخواسته های آینده  
 تربیت کنیم ، اکنون مشکل وظیفه کسانی را که تربیت کو دک  
 و یا کودکانی را بعهده دارند . بحده سما میکنند ریم ...

امسان یکتبه قسایل تذکر اینست که همین حلقه های  
 کو چک امر و زی که در دبستانها ، و رکتو نهاد  
 و مکتب ها فارغ از هر اندیشه دیگر میباشند و پرورده میشوند  
 و دیگر از هر گرم و سردی بی خبرند روزی حلقه های بزرگ  
 و بزرگتری را بهم ارتبا ط می دهند جامعه نوی را اساس

میگند ارند ، طرح مدنیت تازه‌ای را میریزند ، برای رسیدن به پیروزی‌ها و مؤقتیت‌های بزرگتری جهد میگذند و با مشکلاتی که اکنون در حیطه تصور ما نمی‌گنجند را بزودی شوند اینان در آینده افتخارات ما و جامعه‌ما را حفاظت میگذند تمام آنچه گفته شد از قدرت و اختیار کوادکان امروزی‌ما پدید خواهد آمد اما یک شرط ساده ، که :

حلقه‌های کوچک امر و زی را باید ارزشی قایل شد و تربیت و پرورش آن را صمیمانه بعهده گرفت .

این حلقه‌های کوچک فردا حلقه‌های بزرگی را تشکیل خواهند داد ، این جمع ناتوان فردا جماعت نیرومندی را بارخواهد آورد ، این موجودات که اکنون بهرچه در ماحول شان قرار دارد سطحی می‌نگرند و قوّه تفکر و تحلیل در اشیا وحوادث را ندارند فردا قضا یارا بررسی ، تعجز یه و تحلیل میگذند بگذشته و حال می‌اند یشنده آنگاهست که نقد زحمات و مسحول تربیت ما را چون کارگرویا دهقانیکه در پایان کار مسحول زحمتش را تسليیم میدهند بکف هامیگذاشند .. بد بخت کسانی خواهد بود که طفل امروزی خوشی را در قلب مرد شری و انسان شقی آینده ، بر یزد ...

جزر کی آ یند آ لین حلقه های سکوچک را جای دار و احتراف  
و احترام حکرد و در حضره است، که آمدت لغتش در تر بیت  
المرؤزی اطفال، فردا آ تان را از سعادت به خطاوت می کشاند ..  
وظیفه ما است تا این گلهای خوش نیگ و جو را برای آ یند .  
گل تر بیت سخنیم آه خار ....

فرزند بد کار مانند اگر نداشت ششم است اگر بیزند ش و نج برند و اگر  
نگا هش دارند رشت نماید .

مادر با دستی گهواره و با دستی دنیا را  
تکان میدهد .

\*\* خنده فکر را قوی و بدن را تو آنا می سازد  
لهذا بیکوشید اطفال خود خندهای باشد و از نیزه همون .

لزوم ....

## ۰۰۰۰۰ رهبری

اطفال ....

عائله ها در اعانتا به تربیه طفلي يا از افراط کار ميگيرند و يا کما ملا<sup>آ</sup>  
اهمال ميگفند. به عبارت دیگر بعضی عائله هائی وجود دارد که آنها  
با هتمام در باره اطفال و نشوونشای ایشان حسب مقتضیات علم و فن  
احتیاج حس نمیکنند. اطفال معهوم این عایله ها در کوچه هافاقد  
تر بیت بزرگ میشوند.

به مثل گیاه خود رو خود بخود نشوونما مینمایند. از طرف  
عائله منسوبه شان در باره تربیه، اخلاق، سجیه فکر حتی انسکاف  
بدنی آنان کوچکترین سعی هم بخراج داده نمیشود. این نوع عائله ها  
بکلی غافل هستند و نمیدانند که طفل در یک دنیای جدید زیست  
خواهد کرد و این دنیا مقتضیاتی دارد که باید از همین وقت برای  
موفقیت در آن آماده کرده شوند این عائله ها از جرم خویش که  
در تربیت اطفال از ایشان پیهم سر میزنند خبری هم ندارند.

بر عکس در بعضی عائله های دیگر پدر و مادر هائی وجود دارند  
که در باره اطفال خود بیشتر مشکل پسندی مینمایند و زائد از حدی  
که لازم است برخود قیود می گذارند اطفال خود را بسیار غذا میدهند  
بیشتر لباس می پوشانند آزادی شان را در اجرای حرکات بسیار

زیر قید و بست می آرند طفل زیر  
اینقدر توجه و اهتمام زیاده از حد  
اسیر میشود . حریت خود را  
از دست میدهد .

از صحت - حیات - تحصیل  
و تربیه خود مسئولیت شخصی حس  
نمیکند . او میخواهد که هر چیز  
برایش بوسیله دیگران حاضر و  
آماده گردد . اکنون باید گفت  
که این هر دو شکل تربیه غلط  
و بی اساس میباشد . در عوض لازم  
است که عائله ها در تربیه طفل  
راه اعتدال را پیموده این هر دو سر  
ونوک را بهم جمع نموده نفعه  
وسط را خط مشی قرار بدهند .  
تمایلات طبیعی و حسی طفل را  
در داخل دائره علم و فن تنظیم و سوق

و اداره نمایند پدر ها و مادرها در موضوع تربیه و اهتمام طفل نه بمانند  
اشخاص دسته اول آنقدر اهمال کار ولا قید نه بمانند شاملین دسته





دوم آنقدر مقید  
باشند . باتلقیفات  
و نصائح اعتدال  
پسند آن خود  
به انکشاف طبیعی  
طفل رسید گی  
و معاونت بنمایند.

اطفال از خور دسالی به ارشاد و رهبری محتاج هستند مادرها میتوانند  
که اطفال خود را حتی از اوقات بازی شان هم استفاده نموده ایقاظ بکنند  
تهیه بازیچه های مناسب برای اطفال که از یک طرف موجب استفاده  
و تریه ایشان بشود و از طرف دیگر ذریعه آن ساعت تیری  
و مشغولیت شان فراهم گردد مفید است طفلی که در ابتداء این بازیچه  
هارا صرف برای ساعت تیری و ذوق خود استعمال می نماید رفتاره رفته  
بسکلی که در تریه او مفید واقع شود بسکارانداخته میتواند  
مشروط برای اینکه درین وقت پدر و مادر استعمال این بازیچه هارا  
در مقاصد مختلفه برای شان توضیع بسکنند و برای طفل درین خصوص  
رهبری لازم بینما یند . هرگاه پدر و مادر صورت استفاده صحیح  
بازیچه را برای اطفال خود نشان بدهند . چیزهایی را که ممکن است  
بذریعه خود اطفال ساخته شود بر ایشان اراهنده بینما یند ، آنوقت  
از تمايل طبیعی اطفال خود به استعمال بیمورد بازیچه ها و بازی های  
تهلهکه آور جلو گیری خواهند کرد و از حرکت ایشان به راه های

غلط و نایسنده اند خواهند شد. ماقنند مسائل و خصوصیات دیگر درین موضوع هم بین تربیه فکری بدنی و روحی طفل یک نوع علاقه و ارتباط وجود دارد. پس طفل باید طرز استعمال بازیچه هائی را که در دسترس او قرار گرفته است یاد بسکیرد.

این بازیچه ها و این معا و نتها در نتیجه طفل را بسی شخضی و حل مشکلات آشنا میسازد. روح آ استقلال حس میکند. بر اقتدار و قابلیت ذا تی خود متوجه میگردد.

طفل از بازیها نی که شخصاً آنرا ایجاد میکند نهایت مسرور میشود. ولی بزودی از یک بازی و یک نوع مشغولیت بیزار و دلتنگ میگردد. همین وقت است که هر بی باید بازی دیگری باونشان بدهد. رهبری وجود داشته باشد که طفل را بشکل صحیح استعمال بازیچه و سکار گرفتن از آن را رهبری کند برای حصول این مطلب مر بی باید در استعمال از بازیچه هدفی را در نظر بگیرد سپس طفل را بقلیداد عمل خود و ادار نماید مثلاً از مکعبهای خود رفته ای و ریگ استفاده نموده برای طفل چهار پنج ساله ساختن خانه پل و امثال آن دیگر چیز ها را بیاموزد و اورا بسکار و مشغله و ادار سازد بر عکس اگر بازیچه را ب طفل داده اورا خود سر ولاقید بگذاشد. طفل متنها یک دو شکل بازی مختلف را یاد گرفته ولی بالاخره دلتنگ شده بازیچه هارا بیک سومیاند از دو پی کار دیگر میشود. همین وقت است که مادر و هر بی باید از دلتنگی و بی فوای طفل جلو گیری نموده برای او بازیهای جدید نشان بدهند و دقت اورا به موضوعی دیگر جلب نمایند.

## صحت اطفال . . .

موفقیت و پیروزی اجتماع، زاده صحت و سلامت افراد آنست. بهمان  
پیمانه که در یک جامعه از شیوع امراض جلو گیری شود، دامان  
بدبختی و تباہی چیزی می شود.

فرد سالم، قدرت و نیروی بر خورد بایش آمدهای زندگی را  
داشته، در میدان مبارزه با حوادث نیز و مند و توانا است و همیشه  
در پر توفکر دوشن و نیروی توانای خود موفق است.  
پس برای رفاه و سعادت جامعه از همه اولتر بایست در صدد تقویه،  
تندرستی و سلامت افراد آن شد که درین زمینه مسئولیت عمدت را  
والدین بعهده دارند، زیرا اینان هستند که با حفظ سلامت اطفال  
خویش سلامت و سعادت اجتماع را کمایی میکنند.

طفل علیل و بیچاره، بار دوش جامعه بوده و در میدان زندگی  
دست و پا شکسته می باشد نمی تواند کار کند نمی تواند بیند یشد  
و با خوب و بد زمانه پنجه نرم کند.

مادران و پدران حساس و آناییکه به سعادت فرزندان خود علاقه دارند  
و آرزو مندرجات و قوت اجتماعی باشند از همه اولتر به صحت اطفال خویش  
متوجه بوده، درین راه هیچگونه اهمال و تعللی را نمی پذیرند.  
کوچکترین غفلت در راه تندرستی اطفال عواقب بدی را بارمی آورد  
که پدران و مادران کوتاه فسکر و بی مبالات ثمر آنرا چشیده اند.  
بکوشید شما ازین دسته نباشید.

## غنچه ها باز هی شود



باورود تابستان موسم، طبیعت غنچه های را که در بهار باز کرده و پروده پخته میسازد. همنوا باین راز شگرف طبیعت، مؤسسه مسئول تربیت اطفال زحمات شانرا در باره گلهای که برای اجتماع پرورده اند جشن میگیرند. این ورود فر خنده برای اطفال جشن شادمانی است. اطفال درین روز آنچه را که از دینخته های دست و دامان مریان خود برداشته اند به صحته هی کشند و جلو نظر شمامی گذارند. امروز آنایی که باستفاده از تفکر دیگران و با بکار اند اختن دماغ و نیروی معنوی خویش دامان اجتماع را با گلهای زنگینی آراسته اند محصول زحمات خود را بشما تقدیم میکنند و از شما پاداش میخواهند. بهر طفول نیرومند و سالم، بهر کودک زیبا و خندان که نگاه میکنید و چهره شما باز هی شود در حقیقت نقدیست که در بهای رنج فراوان تربیت کنند گان آنان می پردازید. باین شیوه بحواله آنان یافزایید. امروز یک دسته از فرزندان جامعه در برابر نگاههای شما جلو ه میکنند اینان غنچه های بوستان جامعه هستند که تازه شگفت و باز شده اند.

برای جامعه که مردان آینده آن از چنین اطفال نیرو مند هوسا لم بار میاید امروز جای مسرت و شادمانیست.

